

نگاهی به زندگی نامه معنوی حضرت خدیجه (س)

محمدجواد حسن زاده<sup>۱</sup>

Email:hasanzadehmohammad@rocketmail.com<sup>۱</sup>

چکیده:

قطعا فضائل و مقامات حضرت خدیجه (س) بدون اسباب و علت نمی تواند باشد. عقل و عنایات و الطاف الهی، ریشه فضائل و مقامات اوست. ایمان خدیجه (س) به پیامبر اکرم (ص) و انتخاب او به عنوان همسر آینده، در کنار درایت و لطف الهی نقش تعیین کننده ای در فضائل و مقامات خدیجه سلام الله علیها دارد. این همه تجلیل و بزرگداشت از مقام خدیجه (س) ما را بر آن می دارد که اندکی پیرامون شخصیت خدیجه (س) سخن بگوییم و شاخصه هایی که خدیجه (س) را به چنین مرتبه ای رسانده است برشماریم.

کلید واژه: پیامبر اکرم (ص)، حضرت خدیجه (س)، روایات.

قطعا فضائل و مقامات حضرت خدیجه (س) بدون اسباب و علت نمی تواند باشد. عقل و

عنایات و الطاف الهی، ریشه فضائل و مقامات اوست.

ایمان خدیجه (س) به پیامبر اکرم (ص) و انتخاب او به عنوان همسر آینده، در کنار درایت و

لطف الهی نقش تعیین کننده ای در فضائل و مقامات خدیجه سلام الله علیها دارد.

این همه تجلیل و بزرگداشت از مقام خدیجه (س) ما را بر آن می دارد که اندکی پیرامون

شخصیت خدیجه (س) سخن بگوییم و شاخصه هایی که خدیجه (س) را به چنین مرتبه ای رسانده

است برشماریم.

<sup>۱</sup>. کارشناس ارشد روانشناسی، کارشناس ارشد سنجش و اندازه گیری (روانشنجی)، مدرس دانشگاه، پیام نور

، شازند، ایران.

## مقدمه:

قرآن، آنجا که می خواهد الگوها و اسوه ها را معرفی کند، در کنار اسوه بودن حضرت ابراهیم (ع) و پیامبر اکرم (ص)، الگوها و نمونه هایی از زنان وارسته مانند حضرت مریم (س) و همچنین زنان گمراه مانند همسران حضرت نوح و لوط (ع) را نیز به جامعه و مومنان معرفی می نماید به همین دلیل، بیان فضائل و مقامات حضرت خدیجه (س) می تواند برای کل جامعه اسلامی راهگشا باشد و الگویی زیبایی برای جامعه ایمانی قرار گیرد؛ چرا که به شهادت پیامبر (ص) و خدیجه (س) از کاملترین زنان و بهترین الگویی است که فضائل و مقامات او به حد کمال رسیده است. این معنی را رسول اعظم با بیانات مختلفی مطرح نموده است. در یک جا فرمود: «خیر نساء العالمین مریم، آسیه، خدیجه، فاطمه (س)» «برترین زنان عالم، مریم، آسیه، خدیجه، فاطمه (س) هستند.» [۱]

قرآن، آنجا که می خواهد الگوها و اسوه ها را معرفی کند، در کنار اسوه بودن حضرت ابراهیم (ع) و پیامبر اکرم (ص)، الگوها و نمونه هایی از زنان وارسته مانند حضرت مریم (س) و همچنین زنان گمراه مانند همسران حضرت نوح و لوط (ع) را نیز به جامعه و مؤمنان معرفی می نماید به همین دلیل، بیان فضائل و مقامات حضرت خدیجه (س) می تواند برای کل جامعه اسلامی راهگشا باشد و الگوی زیبایی برای جامعه ایمانی قرار گیرد؛ چرا که به شهادت پیامبر (ص) و خدیجه (س) از کاملترین زنان و بهترین الگوهایی است که فضائل و مقامات او به حد کمال رسیده است. این معنی را رسول اعظم با بیانات مختلفی مطرح نموده است. در یک جا فرمود: «خَيْرُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مَرْيَمُ، آسِيَّةُ، خَدِيجَةُ وَفَاطِمَةُ» (س)؛ «برترین زنان عالم، مریم، آسیه، خدیجه و فاطمه (س) هستند.» [۱]

## ۱- احترام به شخصیت پیامبر

خدیجه (س) به رغم اموال فراوان و موقعیت اجتماعی ویژه ای که داشت، در برخورد با رسول اکرم همواره حرمت او را پاس می داشت و کوچک ترین رفتاری که نشانی از اظهار برتری دهد از خود بروز نمی داد. جلوه ای عالی از این رفتار را می توان در ماجرای عروسی آن دو سراغ گرفت. آن گاه که مراسم عقد و جشن پایان یافته بود و پیامبر می خواست به خانه عمویش ابوطالب برگردد، ملکه بطحا و بانوی قریش که اینک همسر او شده بود، این گونه او را مخاطب قرار می دهد: «الی بیتک فبیتی بیتک و انا جاریتک» [۶] به خانه خودتان وارد شوید، خانه من خانه شماست و من کنیز شما هستم.» و البته این همه احترام و پاسداشت به خاطر عقیده و ایمان او به توحید بود و بس. [۷]

## ۲- تصدیق و تایید پیامبر

روایات بسیاری از پیامبر اکرم(ص) نقل شده است که گویای اهمیت رویکرد خدیجه(س) به پیامبر در آن فضای جاهلی و غربت رسول اکرم(ص) است. وقتی که حتی بسیاری از بستگان رسول اکرم(ص) نیز پیامبر را تنها گذاشتند و حتی کمر همت به نابودی او بستند، خدیجه(س) به محمد(ص) روی آورد و با او پیمانی جاودانی بست و تا لحظه آخر زندگی بر عهد و پیمانانش استوار ماند. پیامبر نیز با درک چنین فضیلتی از خدیجه(س) بود که همواره تاکید می کرد «این مثل خدیجه» از جمله زمانی که هاله، خواهر خدیجه(س) برای زیارت رسول اکرم(ص) به مدینه آمد، پیامبر با دیدن او به یاد خدیجه(س) افتاد و از شدت تأثر به خود لرزید. بعد از رفتن او، عایشه پرسید: چه قدر از پیر زن قریش که سال خوردگی صورتش را چروکین و سرخ کرده بود یاد می کنی با این که امروز روزگار او را نابود کرده و خداوند همسری بهتر به شما بخشیده است؟! پیامبر فرمود: «هرگز، به خدا سوگند! بهتر از خدیجه(س) هیچ گاه نصیبم نشد، او هنگامی به من ایمان آورد که مردم مرا تکذیب می کردند و ...» [۱(س)]

## ۳- انفاق اموال

پیرامون مظاهر ثروت خدیجه(س) نوشته اند: «هشتاد هزار شتر، اموال تجاری او را حمل و نقل می کردند، بارگاهی از حریر سبز با ابریشم بر بام خانه اش برافراشته بودند که مردم رفت و آمد می کردند و به فقرا کمک می شد، چهار صد غلام و کنیز امور اقتصادی و شخصی او را اداره می کردند.» [۱۴] با این همه او بلافاصله بعد از ازدواج نزد عمویش ورقه بن نوفل رفت و اموال فراوانی به او داد و گفت: این ها را نزد محمد(ص) ببر و بگو این اموال هدیه به شماست و هرگونه خواهی در آن ها تصرف کن و هر چه غلام و کنیز و ثروت و ملک دارم، همه را به احترام حضرت، به او بخشیدم. ورقه بن نوفل نیز کنار کعبه آمد و بین زمزم و مقام ابراهیم ایستاد و با صدای بلند گفت: ای عرب! بدانید که خدیجه(س) شما را شاهد می گیرد که خود و همه ثروت خود از غلامان، کنیزان، املاک، دام ها، مهریه و هدایایش را به محمد(ص) بخشیده است و همه آن ها هدیه ای است که محمد آن را پذیرفته است و این کار خدیجه(س) به خاطر علاقه و محبت او به محمد(ص) است. شما در این باره گواه باشید و گواهی دهید.» [۱۵]

دامنه این یاری مالی به سال های اولیه ازدواج ختم نیافت بلکه هنگام محاصره اقتصادی در شعب ابی طالب و حتی بعد از آن نیز اموال خدیجه(س) نقش اساسی در نجات اسلام و مسلمانان از نابودی ایفا کرد تا آنجا که پیامبر در ماجرای شعب فرمود: «هیچ ثروتی، هرگز مثل ثروت خدیجه(س) به من سود نرساند.» [۱۶]

## ۴ - تحمل پذیری و صبر

خدیجه(س) صبر و تحمل را در زندگی با رسول خدا(ص) پیشه خود ساخت و در برابر فشارهای مختلف هم سایه های مشرک، زنان متعصب، محاصره اقتصادی و... بردباری و تحمل پذیری ویژه ای از خود نشان می داد. از جمله این وقایع می توان به واقعه شعب اشاره کرد که نقش مهمی نیز در تحلیل قوای جسمانی خدیجه(س) داشت، به اندازه ای که به فاصله اندکی از پایان محاصره، آن بانوی بزرگوار وفات یافت. در این محاصره یاران پیامبر [چهل نفر] جز چهار ماه حرام سال را در گرمای داغ تابستان و بیابان خشک و... تحمل می کردند و در این زمان بانوی محمد که ۶(س) تا ۶۵ ساله بود، علاوه بر صرف اموال، خود نیز در شمار محاصره شدگان بود.

میزان فشاری را که بر محاصره شدگان وارد می شد می توان از گزارش سعد وقاص فهمید. او می گفت: شبی از دره بیرون آمدم، از شدت گرسنگی تمام توانم را از دست داده بودم، چشمم به پوست خشکیده شتری افتاد، آن را برداشتم و بعد از شستن و پختن و کوبیدن، با آب خمیر مخلوط کردم و سه روزی با آن به سر بردم. [۱۷]

در این دوره حتی برخی بستگان پیامبر نیز با بی رحمی تمام بر این فشارها می افزودند که از جمله آن ها می توان از ابوجهل نام برد که مانع می شد تا حکیم بن حزام برای عمه اش خدیجه(س) که در شعب بود، حتی از اموال خود خدیجه(س) آذوقه برساند. [۱۸]

## ۵- انیس پیامبر

با این همه سختی و فشار، خدیجه(س) خم به ابرو نمی آورد و در تمام دوران زندگی قبل و بعد از بعثت به سان بانویی شفیق، بر گرد وجود پیامبر می گشت و با سیمای خندان خود غم ها را از رخ پیامبر می زدود و در این بین به سان یاور، وزیر و کمک رسانی توانمند او را یاری می کرد.

ابن هشام می نویسد: خدیجه(س) به پیامبر ایمان آورد، گفتارش را تصدیق کرد و او را یاری داد. خداوند به وسیله او به پیامبرش آرامش داد به نحوی که هیچ خبر ناراحت کننده ای از قبیل رد و تکذیب را نمی شنید مگر این که خداوند به وسیله خدیجه(س) گشایش برایش ایجاد می کرد. وقتی خدا پیامبرش را به خدیجه(س) برمی گرداند، دشواری ها را بر او آسان می کرد و تصدیقش کرده، اعمال مردم را [که موجب آزار شده بود] بی اهمیت جلوه می داد. رحمت خدا بر او باد. [۱۹]

حجم سنگین فشارهای قریش و مشرکان با این سخن پیامبر روشن می شود که: «ما اودی نبی بمثل ما اودیت؛ [۲۰] هیچ پیامبری مثل من آزار ندید.» و خدیجه(س) در تمام این آزارها، یار و غم زدای پیامبر بود.

#### ۶- مجاهدت و دفاع از رسول خدا(ص)

از مصادیق مجاهدت خدیجه(س) می توان به موضوع پذیرش اسلام در سال های جهل و گمراهی و نیز تقیه شدید در شرایط خوفناک و وحشتناک آن عصر اشاره کرد. میزان خطرات پذیرش اسلام در آن دوره به حدی بود که امام صادق(ع) می فرمود: پیامبر خدا پنج سال در مکه به طور پنهانی می زیست، علی و خدیجه(س) با او بودند و اسلام خود را پنهان و به شدت تقیه می کردند. [۲۱]

یک بار هم که جهال عرب با سنگ پرانی حضرت را زخمی کردند و در پی او تا خانه خدیجه(س) آمدند و خانه را سنگ باران کردند، خدیجه(س) بیرون آمد و گفت: آیا از سنگباران کردن خانه زنی که نجیب ترین قوم شماست، شرم ندارید؟ و مردم با شنیدن این سخن شرمنده و متفرق شدند و آن گاه خدیجه(س) به مداوای همسرش شتافت. در همین واقعه بود که پیامبر از سوی خداوند به او سلام رساند و خدیجه(س) در برابر سلام الهی گفت: «ان الله هو السلام و منه السلام و علی جبرئیل السلام و علیک یا رسول الله السلام و برکاته.» [۲۲]

#### ۷- ایمان و اسلام محکم و پایدار

همان بصیرت ژرف خدیجه(س) که باعث انتخاب محمد(ص) برای همسری آینده او شد، عامل ایمان و اسلام او نیز گشت، و باعث شد که لقب اول زن مسلمان را به خود اختصاص دهد.

«ابن عبد البر» به سند خود از پدر «ابی رافع» نقل می کند که پیامبر خدا در روز دوشنبه [مبعث] نماز گذارد و

خدیجه(س) در [ساعات] آخر همان روز نماز خواند. [۲(س)]

و علی(ع) نیز بر ایمان و اسلام خدیجه(س) این گونه صحه گذاشت که: «لَمْ يَجْمَعْ بَيْتٌ وَاحِدٌ يُؤْمَدُ فِيهِ الْإِسْلَامُ غَيْرَ

رَسُولِ اللَّهِ وَ خَدِجَةَ وَ أَنَا ثَالِثُهُمْ. أَرَى نُورَ الْوَحْيِ وَ الرَّسَالَةَ وَ أَشْمُ رِيحَ النَّبُوَّةِ؛ [۲۴]

خانه ای واحد در آن روز در اسلام جمع نشد غیر از رسول خدا(ص) و خدیجه(س) و من که سومین آنان بودم. نور

وحی و رسالت را می دیدم و بوی نبوت را استشمام می کردم.»

خدیجه علیهاالسلام تا آخرین لحظه بر آن ایمان پای فشرد و در راه اسلام فداکاری و گذشت نمود و یک لحظه از

رهبر اسلام و حمایت او غافل نگشت .

## ۸- از برترین بانوان دو سرا

برترین زنان جهان هستی را چهار زن تشکیل می دهند؛ چنانکه ابن اثیر از انس بن مالک از پیامبر اسلام (ص) نقل کرده که فرمودند: «خَيْرُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مَرْيَمُ، آسِيَةُ، خَدِيجَةُ وَ فَاطِمَةُ»؛ [۲۵] برترین زنان عالم مریم، آسیه، خدیجه و فاطمه علیها السلام هستند.»

همین ها که کوله بار کمال را در دنیا بستند، در بهشت نیز در صدر قرار دارند و از جمله آنها خدیجه کبری علیها السلام می باشد. «عکرمه» از «ابن عباس» نقل می کند که حضرت رسول اکرم (ص) فرمودند: «أَفْضَلُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ خَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ وَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ وَ مَرْيَمُ ابْنَةُ عِمْرَانَ وَ آسِيَةُ بِنْتُ مُزَاحِمٍ امْرَأَةٌ فِرْعَوْنُ»؛ [۲۶] بهترین زنان بهشت اینانند: خدیجه دختر خویلد، فاطمه دختر محمد و مریم دختر عمران و آسیه دختر مزاحم، همسر فرعون.»

## ۹- برترین همسر پیامبر اکرم (ص)

پیامبر اکرم (ص) همسران متعددی داشتند، ولی از نظر درجات یکسان نبودند. یکی از آنها در حال حیات و بعد از رحلت پیامبر اکرم (ص) سخت حضرت را اذیت و آزار داد، و بر خلاف دستورات او حرکت کرد، که همین امر باعث تنزل مقام و منزلت او گردید، ولی برخی از آنها مانند خدیجه (س) کبری با تمام وجود و هستی خویش در راه اطاعت از پیامبر اکرم (ص) و جلب رضایت او کوشید و در نتیجه در بین تمام همسران رتبه ممتاز را کسب نمود. مرحوم شیخ صدوق از امام صادق (ع) نقل می کند که آن حضرت فرمودند: «تَزَوَّجَ رَسُولُ اللَّهِ بِخَمْسِ عَشْرَ امْرَأَةً أَفْضَلَهُنَّ خَدِيجَةَ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ»؛ [۲۷] رسول خدا (ص) با پانزده زن ازدواج کرد که برترین آنان خدیجه دختر خویلد (س) بود.»

## ۱۰- کفن بهشتی

خدیجه کبری سلام الله علیها در لحظات احتضار «اسماء بنت عمیس» را به نزد خویش طلبید و در مورد دخترش فاطمه زهرا سلام الله علیها به او سفارشات کرد. آنگاه فاطمه را نزد پیامبر (ص) واسطه قرار داد که از رسول خدا، خواهش کند تا یکی از لباسهای خود را کفن خدیجه (س) قرار دهد. وقتی فاطمه نزد پدر رفت و درخواست مادر را مطرح کرد، اشک از چشمان حضرت جاری گشت، چیزی نگذشت که جبرئیل نازل شد در حالی که کفنی از بهشت همراه خویش داشت که خداوند آن را برای خدیجه (س) فرستاده بود. (س) [۲]

آری انسانی که تمام ثروت خویش را دو دستی در راه خدا تقدیم نموده است، در پیشگاه الهی این عظمت را پیدا می کند که خداوند کفن بهشتی برای او بفرستد، و اینگونه از ایثار و انفاق او تقدیر به عمل آورد.

### ۱۱- درقصری از بهشت

قبل از رحلت خدیجه کبری(س)، خداوند متعال بارها توسط پیامبر اکرم(ص) از جایگاه ویژه خدیجه(س) در بهشت خبر داد، از جمله «عکرمه» از «ابن عباس» نقل می کند که رسول اکرم(ص) فرمود: «أَفْضَلُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ خَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ، وَفَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ وَمَرْيَمُ ابْنَتَ عِمْرَانَ وَأَسِيَّةُ بِنْتُ مَزَاحِمٍ...؛ بهترین زنان بهشت اینانند، خدیجه دختر خویلد، فاطمه دختر محمد و مریم دختر عمران و آسیه دختر مزاحم [همسر فرعون].» [س(س)] و از عبد الله جعفر نقل شده است که رسول اکرم(ص) فرمود: «أَمْرَتْ أَنْ أَبَشِّرَ خَدِيجَةَ بَبَيْتٍ مِنْ قَصَبٍ لِاصْخَبَ فِيهِ وَلَا نَصَبَ؛ دستور داده شده ام که خدیجه(س) را به خانه طلایی که در آن زحمت و خصومت، وجود ندارد بشارت دهم.» [س(س)] و همین مضمون نیز از عبدالله بن ابی اوفی از رسول اکرم(ص) نقل شده است. [س(س)] ۵]

آنگاه که رسول اکرم(ص) در حال احتضار قرار گرفت، فاطمه زهرا(س) درباره جایگاه آن حضرت در قیامت پرسشهایی کرد، از جمله پرسید: «أَيُّنَ وَالِدَتِي خَدِيجَةُ؟ [در آن روز] مادرم خدیجه(س) کجاست؟» حضرت فرمود: «فِي قَصْرِ لَهُ أَرْبَعَةُ أَبْوَابٍ إِلَى الْجَنَّةِ؛ [خدیجه] در قصری است که چهار درب به سوی بهشت دارد.» [س(س)] ۶]

### نتیجه:

ایمان خدیجه به پیامبر اکرم(ص) و انتخاب او به عنوان همسر آینده، در کنار درایت و لطف الهی نقش تعیین کننده ای در فضائل و مقامات خدیجه سلام الله علیها دارد. این فضایل عبارتند از:

۱- یکی از ویژگی های حضرت خدیجه(س) نسبت به پیامبر این بود، که درک ارزش های واقعی او در برابر فریبندگی های ظاهری و دنیوی بود.

۲- وی معنای کمالات انسانی را به خوبی شناخت و چون توانست آن را تنها در وجود پیامبر اکرم بیابد، حاضر شد تمام شخصیت و دارایی خود را برای درک آن فدا کند

(س)- خدیجه(س) به رغم اموال فراوان و موقعیت اجتماعی ویژه ای که داشت، در برخورد با رسول اکرم همواره حرمت او را پاس می داشت و کوچک ترین رفتاری که نشانی از اظهار برتری دهد از خود بروز نمی داد.

۴- خدیجه(س) صبر و تحمل را در زندگی با رسول خدا(ص) پیشه خود ساخت و در برابر فشارهای مختلف همسایه های مشرک، زنان متعصب، محاصره اقتصادی و... بردباری و تحمل پذیری ویژه ای از خود نشان می داد.

۵- با این همه سختی و فشار، خدیجه(س) خم به ابرو نمی آورد و در تمام دوران زندگی قبل و بعد از بعثت به سان بانویی شفیق، بر گرد وجود پیامبر می گشت و با سیمای خندان خود غم ها را از رخ پیامبر می زدود و در این بین به سان یاور، وزیر و کمک رسانی توانمند او را یاری می کرد.

### مراجع

- [۱] صدوق، محمد بن علی، خصال، ج ۱، ص ۹۶.
- [۲] همان. طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، ج ۱، ص ۵۲۱  
[س] همان.
- [۴] مجلسی، محمد، بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۸۱.
- [۵] همان، ص ۸۰.
- [۶] همان، ج ۱، ص ۴.
- [۷] قمی، عباس، سفینة البحار، ج ۲، ص ۵۷۰.
- [۸] ابن ابی الحدید، عزالدین، شرح نهج البلاغه، ج ۱(س)، ص ۲۰۸.
- [۹] مجلسی، محمد، بحارالانوار، ج ۱۷، ص (س)۰۹.
- [۱۰] همان، ج ۱۵، ص (س)۶(س).
- [۱۱] همان، ج ۱۶، ص ۷۹ و ۸۰.
- [۱۲] همان، ج ۲، ص ۲(س)۵.



[۱] (س) همان ، ج ۱۰ ، ص ۴ (س) ۲.

[۱۴] همان ، ج ۱۶ ، ص ۲۲.

[۱۵] همان ، ص ۷۵ تا ۷۷.

[۱۶] همان ، ج ۱۹ ، ص ۶ (س).

[۱۷] طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، ج ۲ ، ص ۷۹.

[۱۸] مجلسی، محمد، بحارالانوار، ج ۱۹ ، ص ۱۸.

[۱۹] طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، ج ۱ ، ص ۵۲۱.

[۲۰] مجلسی، محمد، بحارالانوار، ج (س) ۹ ، ص ۱.

[۲۱] ابن اثیر، عزالدین، الكامل فی التاریخ، ج ۱ ، ص ۱۲۴.

[۲۲] همان ، ج ۴ ، ص ۱۱۱ .

[۲] (س) همان ، ج ۲ ، ص ۴۱۹.

[۲۴] ابن ابی الحدید، عزالدین، شرح نهج البلاغه ، ج ۱ (س)، ص ۱۹۷.

[۲۵] صدوق، محمد بن علی ، خصال ، باب خصال اربعه.

[۲۶] ابن اثیر، عزالدین، الكامل فی التاریخ، ج ۲ ، ص ۱۴۱.

[۲۷] صدوق، محمد بن علی ، خصال ، باب خصال اربعه.

[۲۸] احزاب، ۵.

[۲۹] احزاب، (س) (س).